

مجله پژوهش های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

شیعیان امامیه در هند*

دکتر سید محمد طیبی

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی کیفیت علل و عوامل نفوذ، حضور و نمود شیعیان امامیه در ابعاد مختلف - جمعیتی، سکونتی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، اماکن مذهبی و برگزاری مراسم مذهبی - در کشور هندوستان است. بنابر اهمیت موضوع، بررسی آن به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام یافته؛ سپس اطلاعات و داده‌های موجود تنظیم، توصیف و تبیین شده است.

یافته‌های پژوهش، مبین آن است که در نفوذ و گسترش مذهب شیعه امامیه در هند عوامل متعددی مؤثر بوده‌اند. بسترسازی و تأثیرگذاری تدریجی عوامل مزبور - هم اکنون - موجبات حضور محسوس و چشمگیر جماعت مورد بحث را در مناطقی از سرزمین هند فراهم ساخته است. آنان توفیق یافته‌اند تا در ابعاد فرهنگی، علمی، آموزشی، سیاسی، اماکن و آداب و رسوم مذهبی هویتی مستقل، برجسته و قابل توجه به خود اختصاص دهند.

واژه‌های کلیدی

امامیه، شیعیان، هند، مراکز سکونت، مراکز آموزشی و فرهنگی، اماکن و مراسم مذهبی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۴
نشانی پست الکترونیک نویسنده: m.tayybi@mail.uk.ac.ir

مقدمه

هند در زمره معدود سرزمین هایی است که اشتهار آن به تنوع ادیان و مذاهب بر کسی پوشیده نیست. از میان ادیان موجود دین مبین اسلام و مذاهب برخاسته از آن نیز حضور و موقعیت خود را در آن دیار، کمابیش به نمایش گذاشته‌اند. قرائن و شواهدی چند، گویای آن است که شیعیان امامیه در آن سرزمین نیز در مقایسه با دیگر فرقه‌های شیعی - و حتی دیگر مذاهب اسلامی - از نمود مطلوب و چشمگیری برخوردار هستند.

درباره قدمت، کیفیت و علل نفوذ و گسترش اندیشه و دیدگاه شیعه امامیه در هند و مناطق مختلف آن، گستره و پراکنندگی جغرافیایی، جمعیت، مراکز آموزشی، علمی، فرهنگی، سیاسی، آداب و رسوم و دیگر موضوعات قابل بحث در منابع و مآخذ مرتبط، به صورت پراکنده و گذرا، نکات و مطالبی مشهود است. معدود پژوهش‌های مستقل انتشار یافته درباره معرفی فرقه یاد شده، فاقد همه جانبه نگری، انسجام کافی و پوشش‌دهی به تمامی مطالب مورد اشاره می‌باشند.

با توجه به نیاز زمان و دوره تاریخی که در آن قرار گرفته‌ایم، چگونگی و علل نفوذ، حضور و ماندگاری شیعیان امامیه در جغرافیای جهانی و دیگر کشورها، میزان جمعیت، مراکز و آداب و رسوم و در مجموع شناخت کافی نسبت به موقعیت، عملکرد و مشکلات آنان برای جامعه شیعی ایرانی، ضرورتی انکارناپذیر است. علاقه شخصی نگارنده به مطالعه و پژوهش در حوزه تاریخ تشیع، موجب گردید تا در حد وسع و دستیابی به منابع و اقتضای مقاله، موضوعات و مباحث یاد شده را در محدوده جغرافیای هند مورد بررسی، توصیف و تبیین قرار دهد. از آنجا که پژوهش مزبور به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته و کتب مورد استفاده چندین سال قبل منتشر شده است؛ لذا برخی داده‌ها و اطلاعات - همانند آمار جمعیت، فهرست مراکز آموزشی، فرهنگی و سیاسی - به عنوان آخرین و کامل‌ترین اطلاعات محسوب نخواهد شد.

۱- چگونگی نفوذ و گسترش

درباره عوامل کیفیت نفوذ، حضور و گسترش مذهب و آیین شیعی امامیه در هند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف: ستم و استبداد روزافزون حکومتگران اموی نسبت به علویان، موجبات مهاجرت عده‌ای از آنان را به سمت مناطقی همانند خراسان، غور، ماوراءالنهر و سرانجام سند فراهم ساخت. مهاجرت‌ها به صورت فردی و گاه جمعی - از مسیرهای خشکی و دریا - انجام می‌گرفت. (حسن‌الامین، ۱۳۹۵: ۳۷۷). مهاجران مزبور، با تدابیر ویژه و با نظر داشت شرایط زمان علاوه بر حفظ و بقاء هویت فکری، اعتقادی و جمعی در عرضه دیدگاه‌های مذهبی خود هرگز اهمال نمی‌کردند. در عصر امامت امام سجاده (ع) ارادت مردم سند به اهل بیت علیهم‌السلام و تشیع بعد تازه‌ای گرفت. برخی منابع، یکی از دلایل این علاقه و اقبال را ازدواج آن حضرت با زنی از اهالی دیار یاد شده ذکر کرده‌اند. (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۳۱).

ب: در اوایل خلافت عباسی و امامت امام جعفر صادق (ع) دلایل و شواهدی چند گویای اشاعه روح و لواء و حب اهل بیت علیهم‌السلام در میان مردم سند و حتی ارسال هدایا از سوی برخی حاکمان آن خطه به محضر آن حضرت است. (مظفر، ۱۳۶۸: ۳۱۹). برخی از اهالی سند (کابلی‌ها) در زمرة پیروان صمیمی و صدیق آن امام همام قرار گرفتند؛ تا آنجا که از میان راویان آن حضرت به افرادی همانند خلاد سندی و فرج سندی اشاره شده است. (اطهری، ۱۳۷۶: ۲۳۴).

پ: حاکمان غوری شنسبی به عنوان یکی از خاندانهای اصیل ایرانی و سلسله‌ای از شاهان محلی که در محدوده سال‌های ۶۱۲-۵۴۱ هـ. ق در منطقه شرق ایران به حکومت پرداختند، در انتقال آیین مزبور به هند مؤثر بودند. شنسب (جد غوریان) به دست امام علی (ع) ایمان آورد و با آن حضرت پیمان وفاداری منعقد کرد. مؤلف طبقات ناصری در این‌باره می‌نویسد: «غالب ظن آن است که [شنسب] در عهد خلافت امیرالمؤمنین علی - رضی الله - بر دست علی - کرم الله وجهه - ایمان آورد و از وی عهد و لوائی بستد و هر که از آن خاندان به تخت

نشستی عهد و لوای علی بدو داده و محبت ائمه و اهلیت مصطفی در اعتقاد ایشان
راسخ بود.» (منهاج سراج، ۱۳۶۳: ۳۲۰-۳۱۹)

در حاکمیت بنی امیه که سب امام علی (ع) ترویج می گردید، خاندان مزبور از
انجام آن طفره رفتند. از نیمه دوم قرن ششم ه. ق غوریان ضمن پیشروی در
سرزمین هند دهلی را فتح کردند. (روشن ضمیر، ۱۳۵۷: ۱۱۳). بدون تردید این
حضور و اقامت در بسترسازی رواج اندیشه و دیدگاه مورد بحث، تأثیر گذار بود.

ت: در انتقال و استقبال از آیین مذکور در سرزمین هند به جمعیتی موسوم به
جَت (جات) نیز اشاره شده است. نویسنده کتاب «شیعه در هند» درباره ارادت
جمعیت یاد شده به امام علی (ع) چنین توضیح می دهد: «فتح ایران و عراق در زمان
خلیفه دوم دروازه تهاجمات به بلوچستان و بنادر سند گشود. مرکا (Markan)
در بلوچستان پایگاهی برای تهاجمات بعدی بود. در زمان خلافت حضرت علی (ع)
نیروهای عرب از مرزهای سند عبور کردند؛ و پس از تسخیر سیستان نظام اداری
آن را تجدید سازمان نمودند. بخشی از مردم جات در سند ارادتی عمیق نسبت به
حضرت علی (ع) داشتند؛ تا آنجا که بعضی از آنان با انتساب الوهیت به آن
حضرت موجب برانگیختن خشم آن حضرت شدند...» (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱:
۲۲۹).

ث: مهاجرت - به طور عمده دسته جمعی - سادات صحیح النسب و
مقبول النسب در مقاطع تاریخی مختلف و اقامت آنان در هند، در نفوذ و گسترش
مذهب شیعه امامیه در آن خطه تأثیر ختمی داشت. یکی از سادات (ابوعبدالله
جعفر) به اتفاق خانواده و بستگان از حجاز به مولتان مهاجرت کرد؛ آنان پس از
استقرار و سکونت با اهالی پیوند و مواصلت برقرار نموده و در دوره های بعد در
حوادث و رخدادهای آن منطقه نقش مؤثر و سازنده ای از خود به یادگار
گذاشتند. (همانجا: ۲۳۴-۲۳۳). دسته دیگری از سادات رضوی - که در هند به
سادات باره (بارهه)، اشتهاار یافته اند - در ملازمت سلطان محمود غزنوی به سرزمین
مزبور روی آورده و در آنجا ماندگار شدند. (حسن الامین، ۱۳۹۵ هـ، الجزء
الحدادی عشر: ۳۷۷). سادات بیهقی سبزوار در زمرة دیگر مهاجران بودند؛ یکی از

افراد این گروه (سید محمود سبزواری) در کشمیر شهرت ویژه‌ای بدست آورد؛ تا آنجا که «عشق و فداکاری به حضرت علی(ع) در میان مسلمانان کشمیر با ورد سید محمود سبزواری و طایفه سادات بیهقی تقویت شد؛ و سلسله شاه میر از آنان استقبال گرمی به عمل آورد. سید محمود دختر برادرش را که بیهقی بیگم نام داشت به عقد شاهزاده شاهی خان درآورد؛ این شاهزاده بعدها به نام سلطان زین العابدین به تخت نشست.» (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۷۳). سادات تقوی از جمله مهاجران دیگر به خطه هند بودند. سادات مزبور در عصر حاکمان شیعی اوده - که به آنان اشاره خواهیم داشت - نقش مهم و مؤثر ایفا کردند. (حکیمی، ۱۳۵۹: ۱۰۵). مهاجرت جمعی هفتصد نفر از سادات - از ایران - به اتفاق علمایی همانند سید میر علی همدانی و سید تاج‌الدین در راستای تبلیغ آیین شیعی در هند، و ورود آنان به کشمیر از موارد قابل ذکر دیگر است. (خسروشاهی، ۱۳۴۴: ۳۳).

متعاقب تهاجم مغولان - به آسیای مرکزی، ایران و عراق - عده زیادی از سادات به اتفاق جمعی از علماء، صوفیان، شعرا و نویسندگان مشهور به هند مهاجرت کردند. آنان با ورود به دهلی از سوی صاحب منصبان محلی مورد استقبال قرار گرفتند. (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۵۳).

چ: پیدایش فرقه‌های نعمت‌اللّهیه، سه‌روردیه و چشتیه - پس از قرن هفتم هـ. ق - در نفوذ اندیشه شیعی در هند مؤثر بود. گرچه پیدایش فرقه‌های یاد شده را به تسنن نمی‌توان نادیده انگاشت؛ لیکن آنان ضمن پذیرش شیخین و عثمان به اهل بیت علیهم‌السلام، شیفتگی و علاقه خاص ابراز می‌داشتند و به رغم تمایلات صوفیانه سنی محبت‌خاندان پیامبر(ص) را نیز ترویج می‌کردند. همین زمینه و علاقه سرانجام - در دوره صفویه - به بار نشست و موجبات گرایش آنان را به تشیع امامیه فراهم ساخت. (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۳-۱۲). مؤلف کتاب «شیعه در هند» درباره دیدگاه فکری و مذهبی مریدان شاه نعمت‌الله در سرزمین مورد بحث می‌نویسد: «عظمت معنوی فرزندان و مریدان شاه نعمت‌الله به علاوه قدرت و نفوذ سیاسی آنها، به تصمیم شاه نعمت‌الله مبنی بر اشاعه صوفی‌گری در هند کمک کرد. تصوف آنها برحسب ظاهر، تصوف قادریه با گرایش عبدالله یافعی بود؛ اما

آنان به شکل آشکاری شیعه بودند... از اوایل قرن نهم [ه.ق] گروه نعمت‌اللهی‌ها شیعه شدند.» (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۰۱-۴۰۰). پدر زن خواجه معین‌الدین چشتی (رئیس فرقه چشتیه) و داروغه اجمیر زمینه و شرایط بسیار مطلوب برای زندگی و اقامت سادات و تبلیغ آیین آنان در شهر مزبور فراهم ساخت. (همانجا: ۲۵۳).

چ: مهاجرت مکرر علما و وعاظ شیعی به هند، از نکات در خور نگرش دیگر در اشاعه مذهب شیعه امامیه در آن خطه است. به عنوان مثال، در این باره می‌توان از وعاظ و علمایی همانند: میر شمس‌الدین عراقی، فضل‌الله اینجو، سیدعلی الحیری، شاه فتح‌الله شیرازی، قاضی نورالله شوشتری، میر سیدعلی همدانی، سید دلدار علی، سید شاه طاهر حسینی، سیدمحمد قلی موسوی، میرحامد حسین و سیدمحمد نامی یاد کرد. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۲۳۵-۲۳۴؛ حکیمی، ۱۳۵۹: ۱۳۲-۱۲۰-۱۰۵-۱۰۴؛ توماس آرنولد، ۱۳۵۸: ۳۱۳-۱۹۷). از میان شخصیت‌های یاد شده میرشمس‌الدین عراقی، سیدعلی الحیری، میر سیدعلی همدانی، شاه فتح‌الله شیرازی، سید دلدار علی (غفران مآب)، قاضی نورالله شوشتری، شاه طاهر همدانی (دکنی) و میرحامد حسین در اشاعه، تحکیم و دفاع از مبانی و دیدگاه شیعه امامیه نقشی مهمتر و کارآمدتر از خود به یادگار گذاشتند. (نورمن هالیستر، ۱۳۷۲: ۱۵-۱۵۸؛ اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۶۰-۳۵۹-۲۷۸-۲۷۷؛ مطهری، ۱۳۶۲: ۳۹۴-۳۹۳؛ جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۶۰؛ حکیمی، ۱۳۵۹: ۱۲۱-۱۲۰-۱۰۵-۱۰۴).

ح: حکومت صفویان نیز، دارای جایگاهی مهم و مؤثر در راستای نفوذ روح تشیع در هند و ارج نهادن به مذهب شیعه اثنی عشریه در آن دیار بودند. مؤلف کتاب شیعه در هند در این باره چنین بیان می‌دارد:

«پادشاهان صفوی مانند پادشاهان عثمانیه مدعی خلافت نبودند؛ زیرا آنها شیعی بوده‌اند؛ لیکن به رغم آن توانستند روح دین اسلام به مدد کارایی خود بیش از سلاطین آل عثمان در هند بگسترانند و چون سادات و شیعی بودند نزد ملوک دکن دارای احترام خاصی بودند و احترام آنها به جایی رسید که پادشاهان دکن دختران خود را برای وصلت با صفوی‌ها به ایران می‌فرستادند. سلاطین صفویه با

برو همایون شاه دو تن از شاهان مغول [در هند] را برای نصرت و دفاع از آنها تحت سیطره خویش درآوردند و آنان را به سان مملوکی بدون بهاء و پرداخت قیمت قرار دادند؛ تا سرانجام به تشیع گرایش یافتند. به همین مقدار بسنده نکردند، بلکه هر از چندی علماء و شعراء را به منظور دعوت مردم هند به تشیع بدانجا می‌فرستادند.» (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۳۱).

به عنوان مثال، از شعرای مزبور می‌توان به عرفی و نظیری و از علما به فتح‌الله شیرازی و قاضی نورالله اشاره داشت. (همانجا، همان صفحه و نیز ر.ک به: گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۱، ج ۲).

خ: بدون تردید عامل مهم دیگر در اشاعه و تحکیم مذهب مورد بحث در هند حکومت‌های شیعی مذهب آن دیار بودند. حکومت‌ها و سلسله‌های مزبور عبارتند از: حاکم‌نشین شیعی کشمیر، بهمنی‌ها، عادلشاهیان بیجاپور، نظام شاهیان احمدنگر، قطب شاهیان گلکنده، حکومت اوده، برخی حکام شیعی مغول و چند حاکم‌نشین کوچک دیگر. (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳: صفحات ۱۱۳ لغایت ۱۸۶؛

استانلی لین پول، ۱۳۶۳: ۲۸۸ لغایت ۲۹۹؛ اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۴۲-۴۲۴). حکومت شیعی کشمیر از سال ۷۴۸ هـ.ق تا ۹۴۶ هـ.ق استمرار یافت. مؤسس سلسله مزبور میرزا شمس‌الدین (شاه میر) بود. بعد از وفات او فرزندان و نوادگانش به حکومت پرداختند. بهمنی‌ها از سال ۷۴۸ هـ.ق لغایت ۹۳۲ هـ.ق در دکن فرمانروایی داشتند. نخستین آنان علاء‌الدین حسن و آخرین کلیم‌الله بود. علاء‌الدین حسن (کاکو حسن) تمایلات شیعی داشت؛ بدین نحو که با حفظ مذهب تسنن به همان عقیده تفضیلی - که علی (ع) و سایر ائمه شیعه برتر از خلفای سه‌گانه می‌باشند - به تشیع عشق می‌ورزید. یکی از حاکمان حکومت مزبور (احمد اول) آشکارا آیین شیعی امامیه را برگزید. در اواخر سلطنت بهمنی‌ها تأسیس حکومت صفوی موجبات پیوند و روابط حسنه میان ایران و دکن را فراهم ساخت.

عادلشاهیان بیجاپور از سال ۸۹۵ هـ. ق تا ۱۰۸۳ هـ. ق حکومت کردند. اولین آنها یوسف عادلشاه و آخرین اسکندر شاه بود. نظام شاهیان احمدنگر از سال ۸۹۶ هـ. ق تا ۱۰۴۳ هـ. ق فرمانروایی داشتند. بنیانگذار سلسله مزبور احمد نظام شاه و آخرین حسین سوم بود. حاکمان قطب‌شاهی گلکنده از سال ۹۱۸ هـ. ق لغایت ۱۰۸۳ هـ. ق حکومت کردند. اولین آنها سلطان قلی و آخرین عبدالحسین نام داشت. بنیانگذار سلسله یاد شده در اسدآباد همدان دیده به جهان گشود. او برخاسته از قبیله ترکمن قراقوبونلو و مرید شیخ صفی‌الدین اردبیلی بود. حاکمان اوده از سال ۱۱۴۵ هـ. ق تا ۱۲۶۴ هـ. ق - با مرکزیت لکنهو - حکومت کردند. مؤسس سلسله مزبور میرمحمد موسوی که مشهور به سعادت علی خان، و آخرین آنان واحد علی نام داشت. میرمحمد، برخاسته از خانواده سادات موسوی بود. او پس از مرگ پدر، از نیشابور به هند مهاجرت کرد. علامه محمدحسین مظفر، درباره خدمات حکومت اوده به تشیع می‌نویسد:

«آثار حکومت اوده صرفاً به برافراشتن پرچم تشیع منحصر نبود؛ بلکه عامل و انگیزه‌ای قوی به شمار می‌رفت که توانست تشیع را در هند پایدار نگاه دارد و مقام آنرا بالا برده و موجب نشر معارف آن گردیده؛ و نیز به اقامه مجالس عزای حسینی و مجالس وعظ و بناء حسینیه‌ها، مساجد، مدارس عربی و ساختن ابنیه برای یادآوری مرقد‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام و مصائبی که بر آنها وارد آمده بود بر سر پا می‌گردید.» (مظفر، ۱۳۶۸: ۳۳۳).

بابریان (مغولان) از سال ۹۳۳ هـ. ق تا ۱۱۶۱ هـ. ق در مناطق وسیعی از هند حکومت کردند. نخستین آنها بابر و آخرین احمدشاه بود. دوران فرمانروایی حاکمان مزبور یکی از درخشان‌ترین ادوار حکومت مسلمانان در بعد قدرت و وسعت قلمرو در سرزمین هند است. گرچه بیشترین حکام این سلسله سنی مذهب و حتی سخت متعصب نیز بودند؛ لیکن در بدنه قدرت، ترکیب، حکومت و دربار سلاطین تمایلات شیعی را نمی‌توان نادیده انگاشت. (حسن الامین، الجزء الحادی عشر؛ ۳۷۹؛ اطهری، ج ۱: ۳۲۳-۳۲۲-۳۱۵؛ جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۵۰-۱۴۹-۱۴۸).

از دیگر حکومت های شیعی - البته برخی محلی و دارای سازمان و تشکیلات کوچک - می توان به تاراپور، میرپور، بنگال و بهار، اریسه، ترجنالی اراکات، رامپور، بیکن بلی، خیرپورسکند، حیدرآباد و میسور اشاره کرد. قلمرو عمده حکومت های یاد شده در دوران اشغال هند توسط استعمار انگلیس تحت نظارت و سلطه آنان قرار گرفت؛ لیکن از آن میان حکومت میسور، همچنان بر حفظ استقلال خود پای فشرد. مؤسس حکومت مزبور، فرمانروایی باهوش به نام حیدرعلی بود. او طی زمانی کوتاه مناطق وسیعی از جنوب هند را به تصرف درآورد؛ با مرگش فرزندش تیپو به قدرت رسید. تیپو، در مقابله با انگلیسیان استعمارگر، مقاومتی شجاعانه، جوانمردانه و قابل تحسین از خود به یادگار گذاشت؛ گرچه سرانجام به دلایلی همانند خیانت برخی اطرافیان و سازش بعضی از امرای ولایات، مقاومتش سرکوب و به قتل رسید.

۲- جمعیت و مراکز سکونت

در خارج از ایران بزرگترین جامعه تشیع در شبه قاره هند ساکن است. (عزیز احمد، ۱۳۶۶: ۲۷). به دلایلی چون عدم آمارگیری صحیح و کتمان مذهب توسط برخی از شیعیان و اکتفاء به عنوان مسلم - هنگام سرشماری ها - آمارهای متفاوت و متناقض از جمعیت مورد بحث ارائه شده است؛ با وجود این، آمارهای موجود و انعکاس یافته در آثار مرتبط با شیعیان هند، تعداد آنان را بین ده تا بیست درصد مجموع کل مسلمانان گزارش کرده اند و از آن میان، برآورد و میزان جمعیت شیعیان امامیه را نسبت به کل جمعیت آن سرزمین ۱/۸ درصد دانسته اند، (دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۳: ۴۳۲). آماری که بر صحت کامل آن - به دلایلی که اشاره شد - نمی توان مهر تأیید نهاد.*

شیعیان، در مناطق مختلفی از هند چون دهلی، میروت، مظفرنگر، باریللی، لکنهو، فیض آباد، بیکن بلی، پنجاب، حیدرآباد، بمبئی، بنتا، دکن، بیجاپور، سیال کوت، میسور، الله آباد و... پراکنده هستند. (اطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۴۱)؛ به عبارت دیگر، آنان در عمده شهرهای هند کمابیش سکونت دارند؛ لیکن در

* یادآور می شود که: آمار مزبور مربوط به سال انتشار منبع مورد استفاده می باشد.

برخی شهرها جمعیت آنها محسوس تر و ملموس تر می باشد. علی اصغر حکمت، درباره پراکندگی شیعیان در هند می نویسد: «شیعیان در نقاط مختلف هند متفرق می باشند؛ بیشتر از همه در پنجاب و صوبه شمالی، برودا، حیدرآباد، فیض آباد، هوگلی و مرشدآباد اقامت دارند. بسیاری از شیعیان هند هم از مهاجرین از ایران هستند، و هم مهاجرین از قبائل هزاره افغانستان. یکی از شهرهای مهم که مرکز تشیع است شهر جونپور است.» (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۴۷). مؤلف کتاب «تشیع در هند» درباره موضوع مورد بحث چنین توضیح می دهد: «شیعیان در سراسر هند پراکنده اند. بنابر سرشماری ۱۹۲۱م/۱۳۳۸ هـ. ق کمترین شیعه در آسام و بیشترین آنها در پنجاب و دهلی است و شیعیان بارودا بالاترین بخش کل جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهند... دوستان دکنی ام به من گفته اند که شیعیان حیدرآباد زیاد نیستند، ولی با این همه عده کثیر و شاید نیمی از مالکان اقطاع ناحیه حیدرآباد و ویکرآباد شیعه هستند. در پایتخت قدیمی فیض آباد نیز جمعیت بزرگ و با نفوذی از شیعه زندگی می کنند.» (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳: ۲۰۹).

۳- مراکز آموزشی، فرهنگی و سیاسی

کالج لکنهو - مرکز و کانون آموزش عالی شیعیان امامیه - در زمره بزرگترین مراکز علمی کشور هند است. (مظفر، ۱۳۶۸: ۳۴۰). در مرکز یاد شده، دانشجویان تا مقطع فوق لیسانس قادر به ادامه تحصیل هستند. در همین شهر، مدرسه دینی مشهوری، موسوم به مدرسه الواعظین، جهت تربیت و عاظ و مبلغان مذهبی شیعی تأسیس شده است. انجمنی موسوم به مؤیدالعلوم - که مسئولیت طبع و نشر کتب و رسالات شیعه را بر عهده دارد - به مدرسه مزبور وابسته می باشد. (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۴۸؛ جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳: ۲۱۵). از مدارس مشهور دیگر شیعی می توان به جامعه ناظمیه و جامعه سلطانیه در لکنهو، جامعه جوادیه در بنارس، ناصریه در جونپور، ایمانیه در بنارس، سلیمانیه، در بنتا، منصیبه در میرت، باب العلم و الجعفریه در امروها و... اشاره کرد. (حسن الامین، ۱۳۹۵ هـ. ق: ۳۸۱-۳۸۰).

از کتابخانه های معروف شیعی در هند می توان از کتابخانه نواب - در بردارنده کتب نفیس خطی فارسی و عربی - در شهر رامپور، و کتابخانه بزرگ ناصریه -

میراث میرحامد حسین و پسرش در لکنهو - نام برد. (حکمت، ۱۳۳۷:۲۴۷). مؤلف کتاب «میرحامد حسین» درباره کتابخانه ناصریه می نویسد:

«خاندان میرحامد حسین از آغاز سده سیزدهم [ه.ق] به پی ریزی کتابخانه‌ای همت گماشتند. این کتابخانه، به مرور زمان تکمیل گشت و نسخه‌های فراوان و مآخذ نفیسی در آن گردآوری شد، تا به دوران سیدناصر حسین که به نام وی نامیده گشت ... این کتابخانه با عظمت، که حاوی ۳۰۰۰۰ جلد کتاب از نفایس مطبوعات و نوادر مخطوطات می‌باشد؛ نتیجه همت سه شخصیت بزرگ علمی است. پایه تأسیس این کتابخانه مبارکه، به دست رامرد محقق و دانشمند فقیه سیدمحمد قلی موسوی که از ایرانیان مقیم هند بود، استقرار گردید؛ سپس محتویات کتابخانه فرزندش میرحامد حسین، بدان اضافه گشت. سیدناصر پسر میرحامد بر او افزود و هم اکنون در دست فرزندان والا مقام وی سیدمحمد سعیدالملة و سیدمحمد نصرالملة و تحت نظر آن دو است.» (حکیمی، ۱۳۵۹:۱۳۶).

در شهر لکنهو کمیته‌ای موسوم به تنظیم المؤمنین، فعالیت‌های سیاسی شیعیان را در موارد مقتضی به طور مؤثر سازماندهی و رهبری می‌کند. (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳:۲۱۵؛ حکمت ۱۳۳۷:۲۴۸). کنفرانس سراسری سیاسی شیعیان هند از نهادهای سیاسی دیگر است. تشکیلات مزبور در امور، رخدادها و حوادث سیاسی با سایر مسلمانان هند هماهنگی دارد و به طور معمول از مسلم لیگ حمایت می‌کند؛ لیکن در سیاستگزاری‌های کلان هند بیشتر به حزب کنگره متمایل است. علاوه بر کنفرانس سراسری سیاسی - شیعی یاد شده نهادها و تشکیلات سیاسی ایالتی دیگر نیز در بیهار، اوتپرداش، پنجاب و برخی نواحی دیگر فعالیت دارند؛ لیکن کارآمدی، پویایی و کارکرد مستمر در تمامی آنها مشهود نیست. (جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳:۲۱۴).

۴- اماکن و مراسم مذهبی

شیعیان هند زیارت مزار امامزاده‌ها و اولیاء شیعی را عامل و منشأ برکت و ثواب می‌دانند. مراکز زیارتی و مورد احترام آنها در سرزمین یاد شده عبارتند از:

۱- قبور اولیاء و شهداء؛ برای نمونه می‌توان به مقبره قاضی نورالله شوشتری (شهید ثالث) در آگره، و مقبره میرسیدعلی در کشمیر اشاره داشت.

۲- محل زندگی، عبادت و نگهداری موقت جنازه بزرگان شیعی؛ برای مثال می‌توان از محلی موسوم به «شاه مردان» در دهلی یاد کرد.

۳- اماکن برپایی مراسم روضه‌خوانی و سوگواری امام حسین (ع)، همانند امبارها (تکیه‌ها - حسینیه‌ها). (همانجا: ۲۱۸، مطهری، ۱۳۶۲: ۳۹۴-۳۹۳).

مهمترین مراسم مذهبی شیعیان امامیه سرزمین هند، در ماه محرم متجلی است. مراسم از روز اول ماه محرم به گونه‌ای پرشور و همراه با سینه‌زنی و نوحه‌خوانی آغاز می‌گردد. نماد کوچکی از بقعه و آرامگاه امام حسین (ع) موسوم به تعزیه و نیز علم‌هایی - معرف پرچم ابی‌الفضل العباس - به همراه دسته‌های سوگوار به حرکت درآمده و در امبارها نیز برافراشته می‌شود. مراسم مزبور، بر عزاداران بسیار تأثیر می‌گذارد؛ تا آنجا که زنان «... النگوهای بلورین خود را می‌شکنند، موها را شانه نمی‌زنند، جواهر بر خویش نمی‌آویزند؛ از پوشیدنی‌ها به رنگ روشن ابا ورزیده و در خلال عزاداری، خنده و یا هر حرکت خوش و همراه با شعف پنهان نگه می‌دارند.» (عزیزاحمد، ۱۳۶۶: ۳۲). مراسم عزاداری، گاه تا اربعین استمرار می‌یابد. مؤلف کتاب «سرزمین هند»، درباره چگونگی برگزاری مراسم سوگواری مورد بحث، چنین توضیح می‌دهد:

«... همه ساله در اغلب شهرهای هندوستان شیعیان مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری تشکیل می‌دهند. مخصوصاً در شهر لکنهو که جامعه شیعیان بسیار قوی است این مراسم مفصل‌تر انجام می‌گیرد. اعلام و سرادق متعدد برافراشته و گرداگرد آن دسته‌های نوحه‌گر در اطراف شهر طواف می‌کنند؛ و علامتی که آنرا تعزیه می‌نامند، از چوب و مواد و کاغذهای الوان شبیه ضریح می‌سازند؛ و آنرا با گلها و چراغها مزین کرده و در خیابانها می‌گردانند؛ و بالاخره در فضای امامباره

(حسینیه) در خاک دفن می‌کنند. در بعضی شهرها به تقلید هندوان آن را در دریا یا رودخانه غرق می‌نمایند... همچنین در بیستم صفر المظفر که مصادف با اربعین شهادت امام حسین است، شیعیان هند تعطیل و عزاداری می‌نمایند.» (حکمت، ۱۳۳۷: ۲۵۳-۲۵۲).

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان اظهار داشت که از قرون اولیه اسلامی تا افول و سقوط صفویان عوامل متعددی - همراه با شدت و ضعف - در اشاعه، نفوذ و حضور فرقه شیعه امامیه (اثنی عشریه) در سرزمین هند دخیل و مؤثر بوده‌اند. تأثیرگذاری عوامل مزبور و تکاپوهای انجام یافته در بستر تاریخ، سرانجام موجبات حضور و ماندگاری پیروان فرقه مورد بحث را در گستره جغرافیایی آن سرزمین فراهم ساخته است؛ تا آنجا که هم اکنون، کمابیش حضور آنان را در عمده شهرهای مختلف هند می‌توان مشاهده کرد؛ به نحوی که تجمع و نمود آنان را در برخی شهرها و مناطق به وضوح ملموس و مشهود می‌باشد. شیعیان امامیه توفیق یافته‌اند تا نسبت به جمعیت خود، از جایگاه و هویت مستقل سیاسی، فرهنگی، آموزشی، علمی و برگزاری مراسم مذهبی برخوردار باشند. از مهمترین مراسم مذهبی مبرهن و مورد توجه آنان می‌توان به برگزاری مراسم سوگواری امام حسین (ع) در ماه محرم - به ویژه دهه اول آن - اشاره کرد.

کتابنامه

۱. اطهری رضوی، سیدعباس، ۱۳۷۶، شیعه در هند، ج ۱، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا، **مقاتل الطالبیین**، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: کتابفروشی صدوق.
۳. بازرگان، مهدی، بی‌تا، **مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان**، بی‌جا: نشر امید.

۴. باسورث، کلیفورد ادموند؛ ۱۳۴۹، **سلسله‌های اسلامی**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: بنیاد فرهنگ.
۵. تاراچند، ۱۳۷۴، **تأثیر اسلام در فرهنگ هند**، ترجمه علی پیرنیا و عزالدین عثمانی، تهران: انتشارات پازنگ.
۶. جان نورمن هالیستر، ۱۳۷۳، **تشیع در هند**، ترجمه آزر میدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. جعفریان، رسول، ۱۳۷۱، **جغرافیای انسانی شیعه در جهان اسلام**، قم: انصاریان.
۸. جواهر لعل نهرو، بخش اول، ۱۳۵۵، **نگاهی به تاریخ جهان**، ترجمه محمد تفضلی، تهران: امیرکبیر.
۹. حسن الامین، الجزء الحادی عشر، ۱۳۹۵ هـ.ق، **دایرة المعارف اسلامية الشیعه**، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. حکمت، علی اصغر، ۱۳۷۷، **سرزمین هند**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۵۹، **میرحامد حسین**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خسروشاهی، سیدهادی، ۱۳۴۴، **مسلمانان هند و کشمیر**، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی.
۱۳. دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۳، **تشیع (سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع)**، تهران: نشر سعید محبی.
۱۴. دفتری، فرهاد، ۱۳۷۵، **تاریخ و عقاید اسماعیلیه**، ترجمه فریدون بدره‌ای؛ تهران: پژوهش فرزاد.
۱۵. روشن ضمیر، مهدی، ۱۳۵۷، **تاریخ سیاسی و نظامی دودمان غوری**، تهران: دانشگاه ملی.
۱۶. شوشتری، نورالله، ۱۳۵۴، **مجالس المؤمنین**، ج ۱، ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

۱۷. عزیزاحمد، ۱۳۶۶، **تاریخ تفکر اسلامی در هند**، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: کیهان.
۱۸. گلچین معانی، احمد، ۱۳۶۹، **کاروان هند**، ج ۱ و ۲، تهران: آستان قدس رضوی.
۱۹. لین پول، استانلی، ۱۳۶۳، **طبقات سلاطین اسلام**، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب.
۲۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، **خدمات متقابل اسلام و ایران**، تهران: صدرا.
۲۱. مظفر، محمدحسین، ۱۳۶۸، **تاریخ شیعه**، ترجمه سیدمحمدباقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. منہاج سراج، ۱۳۶۳، **طبقات ناصری**، تهران: دنیای کتاب.
۲۳. موثقی، سیداحمد، ۱۳۷۴، **جنبش های اسلامی معاصر**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.